

بیانات در دیدار رئیس و مسؤولان قوهی قضاییه - 5 / تیر / 1370

بسم الله الرحمن الرحيم

آقایان محترم! خیلی خوش آمدید. از این که این توفیق را پیدا کردم که با مجموعه‌یی از قضات محترم کشور و مسؤولان محترم دستگاه قضایی این ملاقات دسته‌جمعی را داشته باشم، خوشوقتم.

همیشه جامعه‌ی قضات در یک کشور، جزو مجموعه‌های وزین و عالی‌قدر و برخوردار از وزانتهای علمی و اخلاقی و تقوایی هستند. شاید در اغلب و یا همه‌ی جوامع عالم، دستگاه قضا و عناصر آن، این خصوصیت را دارند. در کشور ما هم که قضا یک مرتبه‌ی الهی است و شغل پیامبران می‌باشد و به افراد صالح و شایسته در میان جامعه می‌رسد، طبعاً این خصوصیت بیشتر وجود دارد. امیدواریم که خداوند به شما آقایان و به مسؤولان محترم این قوه‌ی حساس و مهم بیش‌ازپیش توفیق بدهد و شما را کمک کند، تا این بار سنگینی را که بر دوش دارید، ان‌شاءالله به مقصد برسانید. من فقط از باب تذکر، جمله‌ی مختصری عرض می‌کنم؛ چون حقایق عمومی و سیاستهای اسلامی امر قضا - که ما قاعدتاً باید از آنها بیشتر بحث کنیم - برای اذهان شریف آقایان نقطه‌ی پنهانی ندارد.

قضا در یک کشور، معیار سلامت آن کشور است. اگر دستگاه قضایی سالم بود، می‌توان نتیجه گرفت که وضع عمومی جامعه و کشور از جهت برخورداری از عدالت و دوری از تبعیض و ستم و اجحاف و تجاوز و این غصه‌های بزرگ بشری، سالم است. یعنی اگر فرض کنیم که کسی از یک کشور هیچ خبر نداشته باشد، به دستگاه قضایی آن کشور برود و تفحصی بکند، ببیند که در آن جا قضاتی عادل و قاطع، سیستم و سازمانی منسجم و کارآمد، قوانینی حساب‌شده و عادلانه وجود دارد، و مشاهده کند که آنها خوب کار می‌کنند، قاعدتاً باید نتیجه بگیرد که وضع این کشور خوب است.

در این فیلمهای تبلیغاتی که بعضی از این کشورها می‌سازند - نه این که به اسم تبلیغات باشد؛ باطنش تبلیغاتی است - سعی می‌کنند که دستگاه قضایی خودشان را مستقل، کارآمد و قاطع نشان بدهند. ما از دستگاههای قضایی خیلی از کشورهای مادی دنیا خبر داریم؛ آن طور که نشان می‌دهند، نیست. اگرچه البته نقاط قوتی در برخی از جاها وجود دارد، لیکن آن طور که سعی می‌شود معرفی کنند، نشان می‌دهند که قاضی، هوشیار و دلسوز و خستگی‌ناپذیر و تأثیرناپذیر است. می‌خواهند در این فیلمها و این داستان‌سراییه‌ها، اینها را نشان بدهند و معرفی کنند. از این جهت است که اگر معلوم شد دستگاه قضا سالم است، در زمینه‌ی مسائل عمومی کشور، نتایج بسیاری از آن می‌شود گرفت.

بنابراین، دستگاه قضا باید کوشش کند که هرچه در وسع و توان بنی‌آدم است، با کسریها و کمبودهایی که بالاخره در کار انسانها هست، به سمت کمال دستگاه و سیستم قضا و تشکیلات قضایی پیش برود؛ و این نمی‌شود، مگر با رعایت کامل ضوابط و موازین اسلامی در امر تأمین عدالت، که یکی از عمده‌ترینش عبارت از عدم تبعیض در شمول قانون کشور و قوانین قضایی است. این، شاید یکی از اساسیترین کارها در دستگاه قضاست. البته علل مخففه و مشدده، خودش جزو معیارهای قضایی است؛ آنها را منکر نیستیم. اگر در یک مورد، جرمی همراه با علل مشدد یا همراه با علل مخفف وجود دارد، آنها کار خودشان را بکنند؛ اشکالی ندارد، حساب‌شده است؛ اما غیر از آن، هیچ چیز دیگری که تفکیکی بین شمول قوانین نسبت به افراد مختلف ایجاد کند، وجود نداشته باشد. اگر ما همین یک قلم را مورد توجه قرار بدهیم، دستگاه قضایی به میزان زیادی به پیش خواهد رفت.

مکرر از تحول در دستگاه قضایی و پیشرفت به سمت يك دستگاه قضایی سالم و کامل صحبت می‌شود، و من از نزدیک شاهدی که واقعاً تلاشهای زیادی هم انجام می‌گیرد و رئیس محترم قوه‌ی قضاییه و مسؤولان محترم واقعاً دلسوزانه تلاش می‌کنند؛ انسان این را کاملاً حس می‌کند. من می‌خواهم عرض بکنم که اصلاح‌سازی دستگاه قضایی، در درجه‌ی اول به همین چیزهاست. ما کاری بکنیم که شمول قوانینی که قضاوت براساس آنها انجام می‌گیرد، نسبت به همه‌ی افراد یکسان باشد و تبعیضی وجود نداشته باشد.

من در حالات امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة و السلام) مطالعه می‌کردم، دیدم این عدلی که ما از آن بزرگوار شنیده‌ایم - اگرچه گمان نمی‌کنم که حتی ما شیعیان و جوامع شیعی، آن عدالت را درست لمس و درک کرده باشیم که چه بوده است؛ لیکن آن قدر عظیم بوده که دنیا را پُر کرده است و آوازه‌ی عدل امیرالمؤمنین در همه‌جا گسترده شده است - به میزان زیادی مربوط است به همین عدم رعایت جاذبه‌ها و ارتباطها، عدم رعایت خویشاوندی، حتی عدم رعایت خدمات گذشته‌ی يك انسان، آن وقتی که پای محاسبه‌ی قضایی می‌رسد.

«حسان بن ثابت»، مداح امیرالمؤمنین (ع) و کسی که با دشمنان آن حضرت در جنگها مقابله کرده بود، در جریانی به امری مبتلا شد که مستوجب حد بود. امیرالمؤمنین (ع) فرمود: باید حد الهی بر او جاری بشود. «حسان» گفت: یا امیرالمؤمنین! من آن کسی هستم که برای شما آن همه شعر گفته‌ام. حالا ما باشیم، واقعاً این‌جا چه فکر می‌کنیم؟ آنچه که در ذهنم هست، حضرت فرمودند: من حد خدا را به خاطر این چیزها نمی‌توانم تعطیل کنم. روز ماه رمضان شرب خمر کرده بود، حد شرب خمر را جاری کردند؛ بیست تازیانه هم به عنوان تعزیر بر هم زدن حرمت ماه رمضان به او زدند - مجموعاً صد تازیانه - که این بیست تازیانه‌ی آخر، بیشتر او را پوک کرده بود، که این دیگر چرا؟! همین قضیه هم موجب شد که «حسان بن ثابت» کوفه را ترک کرد و به شام رفت و به دستگاه معاویه پیوست و شاید از آن طرف هم علیه امیرالمؤمنین (ع) شعر گفت.

طبق آنچه که در نهج‌البلاغه است، «عبدالله بن عباس» که حواری امیرالمؤمنین (ع) بود، و به تعبیری از لحاظ شخصیت و سوابق و خدمت به امیرالمؤمنین، نفر دوم در دستگاه خلافت آن حضرت محسوب می‌شد - معلوم است که «عبدالله بن عباس» نسبت به امیرالمؤمنین چه حالتی داشته است - سر قضیه‌ی پولهای بصره، که گزارشی به حضرت داده شده بود، به او نامه‌ی نوشتند؛ او هم گله کرد، اما حضرت گله‌ی او را با جواب تندی پاسخ دادند که چرا گله می‌کنی؛ من دارم از تو حساب‌کشی می‌کنم. این، موجب شد که «عبدالله بن عباس» از همان بصره به مدینه رفت و دیگر کوفه هم نیامد. البته به دشمنان امیرالمؤمنین پیوست - معلوم بود که نمی‌پیوندند - اما از جبهه‌ی علی (علیه‌الصلاة و السلام) خارج شد.

وقتی که انسان دقیق می‌شود، از این قبیل الی‌ماشاءالله در زندگی امیرالمؤمنین (ع) هست. ما بیاییم اینها را قدری در زندگی خودمان خرد کنیم. واقعاً ما باید تفکرات امروز خود را، با آنچه که امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة و السلام) انجام می‌دادند، تصحیح کنیم. سیاستهای اصلی قوه‌ی قضاییه اینهاست؛ هیچ تبعیضی قایل نشویم.

امروز دستگاه قضایی حقیقتاً قابل مقایسه با قضای گذشته‌ی این کشور نیست. البته قضات شریف و خوب در گذشته زیاد بودند. من خودم قضاتی را می‌شناختم و می‌شناسم که پاکدامن، سالم، بی‌عیب، شجاع و تأثیرناپذیر از خیلی از مقامات آن زمان بودند. این‌طور نبود که ما تصور کنیم در دادگستری گذشته یکسره آدمهای ناباب بودند؛ نخیر، آن‌جا قضات خوب و در دل سوگند خورده‌ی وجود داشتند. من کسانی را دیده بودم که واقعاً در مقابل زور و فشار دستگاه فرعون‌ی آن زمان می‌ایستادند؛ اما سیستم و تشکیلات و رهبری قضا به نحوی بود که وجود این‌گونه

افراد مفید، در کل قضاوت کشور اثر نامحسوسی داشت؛ شاید هم هیچ اثری نداشت. در دستگاه قضای آن زمان، چه قدر ظلم و تبعیض می شد و چه قدر سفارش کارآمد بود و جرایم از بین می رفت و مظلومان غرامت ستمگران و ظالمان را می دادند.

امروز دستگاه قضاوت ما واقعاً با گذشته قابل مقایسه نیست. امروز قضاوت ما از روی احساس دینی و احساس ایمان قضاوت می کنند. این، کاملاً آشکار است. اگر کسی منکر این بشود، منکر واضحی شده و حقیقتاً بی انصافی کرده است. ما باید این فرهنگ رعایتها را با آنچه که امیرالمؤمنین (ع) داشتند، مقایسه کنیم، ببینیم واقعاً چگونه است. حالا ما ادعا نمی کنیم که بتوانیم مثل امیرالمؤمنین عمل کنیم. خود آن بزرگوار هم فرمود: «الا و انکم لاتقدرون علی ذلك» (1). «لاتقدرون» را در مورد خورد و خوراک گفت، که مراعات این چیزها خیلی آسانتر از مراعات آن مسائل معنوی است. معلوم است که در آن مسائل معنوی، هیچ کس نمی تواند به آن پایه برسد؛ هیچ کس هم ادعایش را نکرده است؛ لیکن باید به آن سمت برویم. در این صورت، دستگاه قضا مورد اعتماد و امید مردم خواهد شد.

شما الان ملاحظه می کنید، مدتهاست که در مواردی، سرعت عملهای بسیار زیبایی در اجرای احکام مشاهده می شود. جرمی انجام می گیرد، بلافاصله تحقیق می شود، حکم عادلانه صادر می شود و حدود الهی اجرا می گردد. شما دیده اید، آن جاهایی که چنین حادثه‌یی اتفاق افتاده، مردم چه شور و شوقی نشان داده اند و چه قدر آبروی دستگاه قضا در آن جاها بالا رفته است.

ما باید کاری کنیم که دستگاه قضایی در کل زندگی مردم و در کل بسط حیات يك افراد این جامعه - سطح کشور را عرض نمی کنم؛ سطح کشور که چیز قهری است - چنین حالت امیددی داشته باشد؛ یعنی همین که کسی مشکلی پیدا کرد، مظلوم واقع شد، یا مورد کمترین اجحافی قرار گرفت، در دل و بر زبان بگوید که به دستگاه قضایی مراجعه می کنم، تا ظالم سر جای خودش بنشیند. باید چنین روحیه‌یی در مردم به وجود بیاید، و این با تبلیغات نمی شود. این از آن مواردی است که تبلیغات مطلقاً اثر نمی کند؛ چون با زندگی روزمره‌ی مردم سروکار دارد. مردم به خودشان نگاه می کنند و حقیقت را پیدا می نمایند.

من لازم می دانم از حضرت آقای یزدی (دامت برکاته) که برای دستگاه قضایی واقعاً يك ذخیره‌ی الهی بودند و وجودشان برکت و نعمت است، به خاطر زحماتی که انجام می دهند، تشکر و تقدیر بکنم. امیدواریم که ان شاء الله ایشان و بقیه‌ی آقایانی که در رأس دستگاه قضایی یا در بخشهای مختلف دستگاه مسؤولیت‌هایی دارند، و نیز یکایک قضاوت و کارمندان مؤثر دستگاه قضایی، مشمول برکات الهی باشند. ان شاء الله روزبه روز شاهد پیشرفت در کار قضا باشیم و به سمت همان الگویی که اسلام در اختیار ما گذاشته و در اعمال امیرالمؤمنین (ع) مشاهده می شود، حرکت بکنیم.

لازم می دانم که از شهید عالی قدر و مظلوم - آية الله بهشتی - تجلیل کنم. حقیقتاً ایشان برای بسیاری از امور انقلاب، از جمله برای قضای کشور، عنصر برجسته‌یی بودند، و این اقبالی برای دستگاه قضا بود که پایه ریزی قضای اسلامی در جمهوری اسلامی، به وسیله‌ی يك چنین مرد بزرگ، فاضل، عالم، بااراده، متقی، آگاه و باهوش طراحی شد. ان شاء الله که در همان مبنا و در همان جهت، پیشرفت‌ها روزبه روز چشمگیرتر باشد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

1) نهج البلاغه، نامه‌ی 45